

- عرض سلام و ادب دارم خدمت شما آقای امینی خواه. خیلی خوش آمدید.
- بسم الله الرحمن الرحيم. بنده هم عرض سلام و خسته نباشید دارم محضر شما و همه خوبانی که این لحظاتشان را به برنامه خوب و نورانی شما اختصاص داده‌اند.
- ارادت داریم. خیلی ممنونم از همراهی شما جناب آقای امینی خواه که فرصتی است تقریباً روزانه تا در خدمت شما باشیم. امروز بحث ولایتمداری و ولایت‌پذیری را انتخاب کردیم، البته باز هم با رویکرد جوانان. امروز هم در خدمتتان هستیم و می‌خواهیم کلام شمارا بشنویم و شما هم لطف می‌کنید از کلام ائمه معصومین گرفته تا بیانات امام خمینی و مقام معظم رهبری ما را مهمان می‌کنید. در خدمتتان هستیم.
- بنده بازمی‌خواهم از منظر متفاوتی وارد این موضوع شوم که کمتر از این منظر به این موضوع پرداخته شده است. معمولاً ما وقتی از ولایت‌پذیری می‌گوییم معنایی که به ذهنمان متبادر می‌شود، ولایت‌فقیه و معانی - ای از این جنس است که البته تا حدی درست است. من می‌خواهم اکنون زاویه پردازش را کمی با استفاده از کلمات خود حضرت امام خمینی عوض کنم. امام (ره) بحث ولایت‌پذیری را در حیطه دیگری می‌برند و با این تعریفی که امام دارند، خود مقام معظم رهبری هم باید ولایت‌پذیر باشند. امام (ره) ولایت‌پذیری را ذیل ولایت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه می‌برند. ایشان بیانی در مهرماه سال ۱۳۶۲ دارند که البته کمی مفصل است و من سعی کرده‌ام آن را کمی کوتاه کنم. خود این کوتاهش هم باز کمی مفصل است! خیلی نکات قشنگی دارند. سعی می‌کنم خیلی سریع اشاره‌ای به این کلمات امام کنم زیرا خیلی معانی خاصی نهفته است. امام (ره) می‌فرمایند: «تمسک به مقام ولایت معنایش این است که، یکی از معانی‌اش این است که ما ظلّ آن مقام ولایت باشیم. مقام ولایت که مقام تولیت امور بر مسلمین و مقام حکومت بر مسلمین است.» بعد امام دسته‌بندی می‌کنند و می‌گویند اگر ما حکومت تشکیل دادیم، مسئولین و مردم اگر خواستند ولایت‌پذیر باشند، این ولایت‌پذیری باید چگونه باشد؟ چون حالا ایام انتخابات مجلس هم هست، یک نکته خوبی هم امام در مورد مجلس دارند که می‌فرمایند ولایت‌پذیری مجلس؛ یعنی چه. ایشان می‌فرمایند: «چنانچه حکومت تشکیل شد، حکومت تمسکش به ولایت امیرالمؤمنین و این است که آن عدالتی که امیرالمؤمنین اجرا می‌کرد، این هم به اندازه قدرت خودش اجرا کند. به مجرد اینکه ما بگوییم ما متمسک هستیم به امیرالمؤمنین، این کافی نیست، این تمسک نیست اصلش. وقتی که حکومت الگو قرار داد امیرالمؤمنین - سلام‌الله‌علیه - را در اجرا حکومتش، در اجرا چیزهایی



که باید اجرا بکند، اگر او را الگو قرارداد، این تمسک کرده است به ولایت امیرالمؤمنین. چنانچه او الگو نباشد، یا اینکه تخلفات حاصل بشود از آن الگوی بزرگ، هزار مرتبه هم روزی بگوید «خدا ما را از متمسکین قرارداد است»، جز یک کذبی چیزی نیست و مجلس که از مقامات بلند یا بلندترین مقام کشوری است، چنانچه الگو قرارداد آن چیزی که امیرالمؤمنین می‌خواست و آن عدالتی را که آن در همان برهه کمی که به او مجال دادند - خیلی کم مجال پیدا کرد - اگر الگو قرار بدهند آن را برای اینکه احکام را و اموری که باید محوّل به آنها است به آن نحو اجرا بکنند به آن نحو تصویب بکنند و دقت بکنند، آن وقت می‌شود گفت که مجلس ما هم از متمسکین به امیرالمؤمنین هستند و اما چنانچه مجلس نتواند این کار را بکند یا خدای نخواستہ نخواهد این کار را بکند یا بعض افراد نگذارند که این کارها بشود، آن وقت ما نمی‌توانیم بگوییم که یک مجلس متمسک به ولایت امیرالمؤمنین داریم.» بعد در مورد قوه قضائیه هم می‌فرمایند که اگر مدل قضاوت قوه قضائیه هم مانند قضاوت امیرالمؤمنین نباشد، نمی‌تواند بگوید ما متمسک به ولایت امیرالمؤمنین هستیم. بعد در مورد مردم هم می‌فرمایند: «مردم ما هم که این دعا را یا این فقره را می‌خوانند آنها هم باید توجه کنند به اینکه تمسک به ولایت حضرت امیر برای آنها تبعیت از مقاصد اوست.» بعد یک بخش زیبایی هم در آخر می‌فرمایند که «همین طور گفتند که ما شیعه علی هستیم و همین که گفتند ما متمسک به ولایت امیرالمؤمنین هستیم، این کافی نیست، نمی‌شود این. این امور، اموری نیست که لفظی باشد و با الفاظ و با عبارات بتوانیم ما بگوییم تحقق پیدا کرده است؛ اینها یک امور عملی است، یک حکمت عملی است اینها. باید کسانی که مدعی هستند که ما شیعه امیرالمؤمنین هستیم، تبع او هستیم، باید در قول و فعل و نوشتن و گفتن و همه چیز تبعیت از او داشته باشند. اگر این تبعیت نباشد و ما بگوییم که ما شیعه هستیم، یک گزافی گفته‌ایم، یک لا طائلی گفته‌ایم.» حالا من یک ربط این را به جوانان عرض کنم. ببینید جوانان معمولاً فطرت فعالی در اسطوره یابی و اسطوره‌سازی دارند و سریع با یک اسطوره ارتباط برقرار می‌کنند. معمولاً در اثر فرهنگ ما هم حتی افرادی که مسلمان و شیعه هم نیستند، یک ارادت قلبی به حضرت امیرالمؤمنین پیدا می‌کنند و واقعاً حضرت امیر (ع) برای ملل و نحل مختلف، یک اسطوره به حساب می‌آیند. ما اگر بتوانیم ولایت‌پذیری را از این کانال دنبال کنیم و بتوانیم همه را به امیرالمؤمنین اتصال دهیم و اگر از صدر تا ذیل مملکت، همه ارگان‌ها، همه مسئولین و عامه مردم، ملاک ما این باشد که آن طوری رفتار کنیم که با رفتار و خواسته امیرالمؤمنین مطابقت داشته باشد، این ولایتمداری و ولایت‌پذیری می‌شود. خود امیرالمؤمنین در مقابل پیامبر اکرم (ص) چگونه بودند؟ علامه طباطبایی می‌فرمایند در همه این ۲۵، ۳۰ سالی که امیرالمؤمنین در محضر پیغمبر اکرم بودند، ما یک کلمه هم از امیرالمؤمنین خطبه نداریم. علامه طباطبایی می‌فرمایند این از ادب امیرالمؤمنین در محضر پیغمبر بود؛ با این که علم ایشان، همان علم است و از یک کلمه، یک ریشه، از یک شجره و از یک نور هستند، این ادب و احترام در مقابل پیامبر اکرم (ص)، هیچ حرف و



موضعی ندارد. این باز خودش یادگرفتن ولایتمداری محسوب می‌شود. این واقعاً نیاز جامعه ماست؛ یعنی بتوانیم این جور رفتار بکنیم و هرکسی جایگاه خودش را بشناسد. بنده‌ای که یک طلبه‌ام بدانم که در مقام شاگردی هستم، باید در مقابل اساتیدی که تخصص و تعهد دارند، تسلیم باشم، حرف‌گوش کن باشم و به نظرات آن‌ها احترام بگذارم. این‌یک نمود از ولایت‌پذیری به شمار می‌رود؛ همان‌طور که یک بیمار به پزشک مراجعه می‌کند، باید در مقابل او تسلیم باشد و خود را با نظر او تطبیق دهد. این‌ها شئون مختلف ولایت‌پذیری است که اگر در جامعه جا افتاد، بسیاری از مشکلات ما حل می‌شود.

- درست است. ان‌شاءالله. خیلی ممنونم از شما حجت‌الاسلام‌والمسلمین امینی خواه. التماس دعا دارم از خدمتتان. خدانگهدار